گفت‌وگو با پرویز پیران
دور باطل سیاست‌زدگی

عکس: روبه رو بنفشی

احمد غلامی

دکتر پرویز پیران اغلب از گفت‌وگوهای ژورنالیستی سر باز می‌زند. در جمعی نشسته بودیم که به‌تعبیری حرف ما جو نفر کل انداخت و بحث میان ما در گرفت. همان وقت، گفت‌وگو را برای خودم ضبط کردم. بعد از مدتی که بحث‌ها مکتوب شد، برای پرویز پیران فرستادم تا نظرش را جویا شوم. او با دقت و وسواس بسیار متن را خواند و بازنویسی کرد. اغراق نیست اگر بگویم متن حاضر مقاله‌ای است که من فقط چرفه‌اش را زدم. پرویز پیران، جامعه‌شناس و محقق و استاد دانشگاه در گفت‌وگوی پیش‌رو از سیاست و جامعه می‌گوید و معتقد است «سیاست‌زدگی» مسئله مبتلابه جامعه امروز ما است که البته در میان اصحاب اندیشه پدیده جدیدی نیست ولی در شرایط کنونی سخت‌تر گرفته است. او باور دارد که سیاست‌زدگی بنابر ماهیت، در سطح می‌ماند و به کنش سیاسی آگاهانه و هدفمند تبدیل نمی‌شود و دوری باطل را شکل می‌دهد که امروز دچار بدترین نوع آن هستیم.

آقای دکتر پیران، در شرایط موجود ایران با اینکه هیاهوی پردامنه‌ای در جامعه وجود دارد و هرکس از ظن خود درباره مسائل سیاسی و اجتماعی نظر می‌دهد، چرا گفت‌وگوی جدی با نقد علمی بی‌غرض شکل نمی‌گیرد که امکان فرارفتن از وضعیت ایستای کنونی را ایجاد کند؟

در آغاز از فراهم‌آوردن مجال شنیدن و گفتن بسیار سپاسگزارم؛ اما بعد... بفرمایید در روزگار غریبی زندگی ادامه می‌یابد. در حال‌وهوایی سخت خطیر، روزها به شب می‌رسد و عمر مانند برق و باد به سایه پایان خود نزدیک می‌شود. چنانچه به گزاره‌های بالا بر داریم، گفت‌وگوهای دارازمانی برای بیان روایت‌هایی درباره گذشته، حال و آینده سرزمین بارها و بارها رخخموده‌اند؛ اما ایرانیان نه‌تنها ضرورت پیدا نمی‌کند، بلکه سخت فروی و حیاتی می‌شود. روایت‌هایی درباره جامعه‌ای که سال‌های دراز، قرنی پس از قرن دیگری با انواع تضاد و تناقض کلاویز بوده است و با وجود نیروهای قدرتمند رانشی بسیار از هم به توان خطرناک فروپاشی، در مجموع و بطور نسبی تا به امروز کلیت خود را حفظ کرده است. ضمنا نیک آگاهید که هر روایتی درباره جامعه صرف‌نظر از زمان و مکان بنحوی گزینناپذیر به افراد جامعه یا سازندگان و گاه ویران‌کننده‌گان آن نیز باید بپردازد. فورا باید اضافه کند که گفت‌وگو تنها زمانی ارزشمند است که از حب و بغض‌های فردی و جامعه‌ای که بسیاری از آنها درعین‌حال تاریخی محسوب می‌شوند، برکنار بماند و دو سوی گفت‌وگو منافع فردی و خواسته‌های خود را دخالت ندهند. ناگفته پیداست رسیدن به حالتی نسبتا بی‌طرفانه و از طرف و مطروف کنارکشیدن و از فاصله‌ای دور به تجزیه و تحلیل آنها، همت‌کمارذن در هر حالتی، در هر جامعه‌ای به‌ویژه در زمان‌های بحرانی، بسیار پیچیده و طاقت‌سوز و گاه غیرممکن است. پیچیدگی مواردی بازدیده در ایران نه دوچندان که چندین چندان است. این پیچیدگی تشدیدشده در ایران دلایل گوناگونی دارد؛ یکی از این دلایل یک معضلی جدی بدل شده است. سیاست‌زدگی ذهنی، شخصیتی و رفتاری در جوانان و بالکلیکی می‌شوند و به باور اینجانب جامعه لحظه‌ای می‌شود. در شرایطی که کمرا توضیح داد. رادیکالی اوضاع کنونی‌کاوه در همه زمینه‌ها، حیطه‌ها، موضوعات و مشکلات جامعه برای بورزفت و چاره‌ای عملی اندیشیدن که نیازمند اجمالی نسبی است باز هم جای خالی می‌شود.

چرا گفت‌وگوی دیالکتیکی در شرایط امروز ما کرکوبیم نامکن شده، بسیار سخت و بعید به‌نظر می‌رسد با بهتر است بیرسم

- برابری حقوق شهروندان در آن و ر ولی فرودست نسبت به اشراف موروثی، البته قادر به وضع قانون در صورت اجماع
- پیدایش و گسترش مفهوم قانون، حق و وظیفه؛ اگرچه محدود ولی دائما در کشاکش و گسترش مشروط.
- شکل‌گیری شهر مستقل و دنیوی در قرون وسطی حداقل در برخی مناطق ازجمله کاخ و شارلمانی و ادامه حیات شوراهای شهری انتخابی در آنها. برای شکل‌گیری سرمایه‌داری بسیار مهم.
- وجود اوقاف شورا از شورای خانوادگی (ناظر بر میزان تنبیه برده ازسوی برده‌داران) تا شوراهای شهری مستقل و دنیوی قرون وسطی.
- تقسیم عرصه‌های زندگی به عرصه خصوصی (خانواده)، عرصه حکومتی (سیاست، قانون و سرکوب) عرصه عمومی با عرصه کامیونیتی و فضاهای متعلق به آن (ترجمه غلط این مفهوم بسیار مهم به اجتماع در ایران. غربها کمی بهتر ولی هنوز نادرست و نارسا آن را مجتمع ترجمه کرده‌اند. باید توجه داشت که کامیونیتی در مصداق مشهود و بیرونی آن از انواع متنوعی برخوردار است. مثلا کامیونیتی اندشمندان ریاضیدانان وکلا ولی مهم‌ترین مصداق تاثیرگذار آن در تاریخ موجودیت‌یافتن و واقعیتی است ناشی از بر هم منطبق‌شدن مکانی جغرافیایی مبتنی بر ساکنانی دارای عضویت به عنوان مهم‌ترین هویت نه قوم یا قبیله یا تبار یا خاندان و عشیره برخوردار از حقوق شهروندی با محدودیت‌هایی در هر دوره که پیش‌تر اشاره شد به اضافه واحدی سیاسی - اجتماعی و در مواردی اقتصادی نیمه مستقل. بر این اساس نتوانسته‌ایم این مفهوم و شعار قابل‌توجه دیگری را ترجمه کنیم که بخشی از بحث اصلی گفت‌وگوی حاضر است).
- پیدایش نظام صلبی قدرتمند در بازان قرون وسطی، سه نوع صنف: ۱- اصناف اجتماعی. اصناف مذهبی و خیریه‌ای. ۲- تجاری و ۳- اصناف پیشه‌وری یا صنعت‌گری. کارگاهی
- شکل‌گیری دوگانه شناخت‌شناسی (علم تجربی) مختص این جهان و هستی‌شناسی (مخصوص آن جهان به هدایت و رهبری کلیسا برای مدت محدودی برای امکان حیات باقی). باید توجه شود که این تمایز در زمان خود بسیار هوشمندانه است و مقدمه‌ای برای امکان بررسی دنیای جدیدی بدون نگرانی‌کردن کلیساست.
- الگوی سلسله‌مراتبی بوروکراسی شکل‌گرفته در ایران و سپس تکمیل در امپراتوری رم، حفظ‌شده از سوی کلیسای کاتولیک در قرون وسطی و تقدیم‌شده به سرمایه‌داری
- قطع رابطه مسیحیت با نکاه اسطوره‌ای-شاعرانه تمدن‌های باستان به‌ویژه یونان و رم که ماهیتی دوری و الگوی دایره بسته را داشتند و پذیرش نکاه خطی. توجه شود که -تولد مسیح- ۳۳ عدد عمر تا مرگ مسیح -زمانی خطی را در بر می‌گیرد. نکاه خطی به زمان یعنی آغاز تداوم و پایان که به انکشاف مفهوم پیشرفت خطی و قابل سنجش بدل شد.
- با پذیرش نکاه خطی و فرموله‌شدن مفهوم پیشرفت، مفهوم انسان دگرگون و انسان به عنوان خلق‌کننده رخدادها و سازنده تاریخ مطرح شد.
- پذیرش تجربه و آزمایش و اعلام جدایی فلسفه از خداشناسی توسط آکوانیس مقدس - تقویت غیرمستقیم اندیشه و تجربه حس‌محور پیش‌شرط رشد علوم تجربی
- جدایی ماهیت و امور دینی بعنی جدایی مذهب از حیطه دولتی و حیطه شخصی (جدایی مذهب از حیطه شخصی آثار فوق‌العاده‌ای در علم- هنر- ادبیات و موسیقی گذاشت).
- شکل‌گیری نکاه جدید به جهان، جامعه و زندگی
- نظم‌بخشی به قرارداد‌ها، وام، نرخ بهره- حسابداری
- سازمان‌هی جدید فضا و تحول و تبدیل مبتنی در هنرها از جمله نقاشی، معماری و شهرسازی
- فراگیری محاسبه عقلانی بنی امنظقی، اندازه‌گیری و سنجش پیش‌بینی و کنترل
- بیهوند تجارت با علم و شکل‌گیری اقتصاد علمی
- به‌راه‌افتادن سرمایه‌داری تجاری برای هدفی جدید، انباشت نهاده‌ها و سرمایه اولیه مطلوب لازم برای نهایی‌کردن پیدایش مبتنی مبرز با خط تولید و طرق استعمار
- انقلاب صنعتی برای ارضای منطق درونی سرمایه‌داری یعنی انباشت دمافزون سرمایه‌داری برای سرمایه‌گذاری مجدد تا بی‌نهایت که تنها تولید انبوه جاره کار است.
- ازرامبرس بحران‌های سرمایه‌داری و در نتیجه نیاز دائمی برای گسترش سرمایه‌داری و ادغام سایر جوامع به درون سرمایه‌داری به عنوان نیروی مصرف
- شکل‌گیری و فرموله‌شدن مفهوم مدرنیته به بنیاد بنای عقلانی (عقل ابزاری) و سه محور ضمنی‌شدن، شهروندی و دموکراسی سیاسی
- شناخت جهان و تعیین مراکز استراتژیک که ایران یکی از مهم‌ترین آنها بوده و با کشف نفت و گاز و سپس فروپاشی شوروی اهمیت فوق استراتژیک بیشتری به کف آورده است که البته قدر آن را نمی‌دانیم و از آن استفاده نمی‌کنیم.
- شکل‌گیری الگوی طبقاتی جدید بر پایه نظام کلی طبقاتی دوران باستان اما با پیدایش بورژوازی و طبقه کارگر یعنی روباروی سرمایه و کار
- به‌همبزری ساختار زیلوبیتک اروپا و شکل‌گیری محدوده‌های ملی و بازتعریف هویت ملی از طریق نانویتالیسم. لیبرالیسم در درون سرمایه‌داری
- شکل‌گیری نظام مالیاتی جدید و نظارت جدی بر آن
- شکل‌گیری جدید ساختارهای سیاسی طبقات برای تنظیم گرچه ناعادلانه ولی مورد قبول در مقام مقایسه با سایر ساختار مطلق و بنابراین شکل‌گیری نوعی ثبات پایدار و ناپایدار
- پذیرش حق اعتراض مصدور و شکل‌گیری نهادهای طبقه کارگر در داخل سندیکاها و نهادهای صنفی
- همگیرشدن سود و بهداشت در نتیجه افزایش طول عمر متوسط
- گسترش سواد و ضرورت عقلانی‌شدن ابزاری، محاسبه دقیق، دقیق‌بودن و وحدت رویه، هماهنگی، مستندبودن، موقع‌شناسی و منظم‌بودن
- اصلاح مذهبی و دیگرگونه‌کردن رابطه انسان و خدا با حذف کلیسا به عنوان واسطه رابطه انسان و خدا و تاکید بر کار ریاضت‌کشانه ولی بدون لذت که کاملا منطبق است با منطق درونی سرمایه‌داری
- شکل‌دهی به ایدئولوژی سلطه سرمایه‌داری بر جهانی نابرابر در دل هر روشنگری با ساختن و همه‌گیرکردن اسطوره یونان و یونانی‌بودن. بزرگ‌کردن اسطوره برای برتری کامل علوم مشاهده‌گرا و تجربی و مردودانستن هر آنچه بدون محاسبه و مشاهده قابل بررسی است. حاکمیت علم کاربردی، مهارها حاکمیت خرد بر جهان و تائید همه‌چیز این برتری حتی با ایدئولوژی‌های زنانی و جوهل و استعداد‌های جدید از تولد آرایی.

تعبیر «به‌جوش‌آمدن انسان یهوش» در نسبت با جامعه ما چه معنایی دارد؟

ایجاز دهید مباحث مربوط به رخدادهای ۵۰۰ سالی که انسان یک بر سر خورده، بی‌هوش است را خاتمه داده به انسان بی‌هوش شده خودمان بازگردیم. در بیش از صد سال به انسان ما از انسان بی‌هوش علاتمی از به‌هوش‌آمدن را نشان می‌دهد و این علائم و پیامدها افزایش است. او که بی‌هوش وقایع دوران‌سازا مثبت و منفی جهانی پیرامون را نه تجربه کرده است و نه در حافظه دارد که چه رخ داده و چرا بی‌هوش‌آمدن کامل خواهی می‌بینید. عجیب آنکه این طور به زبان بیکانه‌ها است که اصلا با آن انس نیست. اما به علتی که مشخص نیست انسان در حال به‌هوش‌آمدن هم نیز با فریفته کنیم خواب است اما در اثر شوک به‌هوش‌آمدن خواب برده بوده و خواب در حال او می‌ماند اما نه تنها در اثر بریده بوده شدن خواب از فریفته‌شدن است تازه به هوش‌آمده به آن کاسته نمی‌شود بلکه روزبه‌روز به دوشه افزایش پیدا می‌کند. حال انسان به‌خواب‌رفته برای چند قرن به خوش آمده است و آزورد دارد که خواب برده بوده را به زبان فارسی درآورد. این خواب برده بوده چیزی است به‌جز «مدرنیته ایرانی». انسان بی‌هوش به‌هوش‌آمده با خود فکر می‌کند که از زمان صفویه به بعد خارجیانی آمده از زبان‌های بسیار ارزشمند انسانا مرحوم دکتر عبدالحادی حائری با عنوان «نخستین رویاروی‌های ایدئیکران ایران با دوره تمدن بورژوازی غرب»، ترجمه امیرکبیر چاپ اول ۱۳۶۷ (صفحه ۱۸۲-۱۵۶). عدم علاقه ایرانیان به زبان‌های خارجی تا بدان‌جا رسیده بود که هیئت‌های خارجی با خود مترجم به ایران می‌آوردند، آثار و منابع نگارشی بسیاری از نقش فاجعه‌بار این مترجمان در غلبه غربی‌ها بر زندگی سرزمین و هستی ایرانیان حکایت‌ها دارند. انسان خواب‌برده بود اما بریده‌بوده به‌اندامه؛ نه نمی‌توانند از فریفته‌شدنش دست بردارد، نه نیازمانی به چند زبان‌دان شکسته‌بسته و رجوع به مصدوقت کتاب ناکامل بسنده کرده، «مدرنیته ایرانی» را ساخت لغتوار یا فارسی درمی‌آورد. اینجاست که بامی‌گردیم به بحث نخستین کار باید با چارچوب مفهومی زبان فارسی در درک درست رخدادهای غرب و آنچه مدرنیته نام دارد.

پس به‌نظر شما مدرنیته غربی در دو امر با انحراف و مخاطرانی به ایران وارد شد و بهتر آن سرمایه‌داری در ایران را دچار دیگر رد، رشد تکلیکی سرمایه‌داری در ایران چطور بوده است؟

بدبختی بدبیجا جز خشم نمی‌شود؛ در تاریخ دو و از جارچه ایران سال‌ها بیش از غربی‌ها نهای سرمایه‌داری زیابی وجود داشته است زیرا ایران بر سر مهجوترین راه‌های تجارت جهانی برای قرن‌ها و تا افاقدادن کشتی‌رانی گسترده بوده است. بر این اساس ایران از نظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک همواره جایگاهی کم‌نظیر داشته که امروز به آوج خود رسیده است اما سونوشت تاریخی ملت ایران اجازه داده است که این مکان استراتژیک با راهاندازی سرمایه‌داری تجاری از نوع خوش و با رشد منطق کارگاهی و تولیدات کشاورزی و ایفایی برای بازار به سوی سرمایه‌داری جهانی حرکت کند. پس از آمدن مدرنیته نیز موضوع تعلیق به محال شد است. سرمایه‌داری تجاری از دوره اشکانی شکل می‌گیرد. انباشت سرمایه‌داری دارد به لحاظ غرب تاریخ. موضوع تولید برابرساس این کفته شکل پیدایش و عدم شکل‌گیری سرمایه‌داری در جوامع مختلف را بررسی کنیم. جالب است که بدانیم اگر ۱۰ شاهزاده برای پیدایش سرمایه‌داری می‌توان در نظر رفت، جوامعی بودند که ۹ مورد را داشتند و سرمایه‌داری نشدند. اروپای غربی ۶ مورد را نداشت و سرمایه‌داری شد. این اصل غربی را با لحظ یعنی همه شرایط آماده است ولی به براساس علل و نتایج مطلق و به براساس تجربه تاریخی حتی با ایدئولوژی‌های زنانی و جوهل و برعکس آنچاکه هیچ انتظاری وجود نداشت رخ داد که تجارت در راه‌های

انباشت سرمایه در ایران از زمانی رخ داد که تجارت در راه‌های دور شکل گرفت و بازارهای گسترده در شهرهای بسیاری به راه افتاد که منابع و متون تحلیل محتوانشده پژوهش ما نشان می‌دهد که از نظر مقیاس و انباردارای باید در مقیاسی به مراتب بیشتر از ایران و کشورهای پیرامونش عمل می‌کرده‌اند. اولین راه استخر، کرمانیا، سیستان، هند و چین و ماچیس، دومین راه کناره خلیج‌فارس، بندر سیراف، بصره، شامات از یک طرف به انطاکیه، از طرف دیگر به شمال آفریقا و راه سوم که باید مهم‌ترین مسیر مفروض ما نشان می‌دهد که در نظر مقیاس سرمایه‌داری ابتدایی را فراهم آوردند. این دلیل سیراپدون، در مرکز این تحول قرار داشت که سب شکل‌گیری بحث مفصلی است در باب آثار مستقل و منفی جایگاه راهبردی ایران. نظریه اجرد و سیاست سرزمینی ایران که بنده طرح کرده‌ام و از دل ۵۰۰ متنی که تحلیل محتوا کردیم و حدود هزار دانشجو روی آن کار کردند، یکی از پنج روایت یا نظریه آغازین هدایت‌کننده‌ای است که بدترج و با انباشت داده‌ها دیون قیمت و برنامه‌ریزی فعلی شکل گرفت. تعیین روایت‌ها یا نظریه‌هایی را نظریه کردند (grounded) می‌گویند. روایت راهبرد و سیاست سرزمینی ایران یکی از آنهاست. جالب است بدانید که باستثنای نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران تمام نظریه‌هایی که ایران را توضیح می‌دهند، تعمیم نظریه‌های تولیدشده در غرب برای جوامع غیرغربی ازجمله ایران است؛ هیچ‌کدام محصول پژوهش ایرانی نیست.

بوقفن قرنان پورول، متفکر کرهشمالی و سازنده بزرگ تاریخ‌نگاری در زمانی که ایرانیان در چارچوب تمدن اسلامی به «سناروهای ارزشمندی ایفا کنند بوده اوندیا بریز بشمار می‌رفتند. نظام شمارش اعداد اروپایی‌ها در پیش از سرمایه‌داری صفر نداشت. برای سرمایه‌داری ساخت بسیار کوچک و بسیار بزرگ نیاز است، مثلا برای ساخت یک پل لازم است که تا زیرترین و بزرگ‌ترین اعداد از محاسبه کند؛ پس به صفر نیاز داریم که در نظام شمارش عدد و اورو وجود داشته است. وجود اوقاف تجاری با از مترجمان به غلبه غربی‌ها بر تجارت محاسبات دقیق تسلط بر حسابداری و دفتردای و نظاره آنها را الزامی می‌سازد. با احداث اوقاف تجاری دو اتفاق روی می‌دهد که به تولید ایلیاتی و کشاورزی برای مبارات کمک می‌کند. از طرف دیگر دو قوچ تجارت و دهنشگران بر سر کشاورزی. سرای اولین‌بار در دوران اشکانی با صنعتگران و پیشه‌وارانی مواجه می‌شویم که در تلاش برای تبدیل‌شدن به طبقه، به شکل جنینی آن می‌شدند. مثل پیچاک فارس. این طبقه جنینی واستیوشان نامیده می‌شدند. رهبرانشان را واستیوشان سالار می‌گفتند. پس این‌گونه سرمایه‌داری در کشورهایی مثل چین، ایران، مصر و روم وجود داشته است اما سرمایه‌داری مدرن نیست. «مارکس ویبر» هرگاه در مورد سرمایه‌داری صحبت می‌کند، بسیار هوشمندانه می‌گوید سرمایه‌داری مدرن. یعنی اولین‌بار در دوران سرمایه‌داری دیگری غیرمدرن نیز بوده است. در دنیای کلاسیک ایران و رم بعد تمدن اسلامی همه دگرنیو قوا سرمایه‌داری تجاری بوده که در قرن نهم برای مسلمانان به اوج خود رسید ولی تاریخ برگزیده دیگری داشت. تفاوت عمده در بین سرمایه‌داری به‌مفهوم «capital» است. وبر این‌طور استدلال می‌کند که همه بدبختی‌ها و پیشرفت‌ها از منطق درونی سرمایه‌داری ناشی می‌شود. او تعریف مارکس را پذیرفته است و می‌گوید انباشت دائمالتزاید سرمایه برای سرمایه‌گذاری است و می‌خواهد بدانیم چرا نمی‌توانیم بدانیم انباشت گذشته تا باتولید بدد. وبر برعکس مارکس بدبین بود و با سرمایه‌داری‌ها (دمی را محکوم قلمبی‌هایی می‌دانست اشکال کسی که می‌گیرد انباشت‌کننده‌ها. در غرب ابداً نیاز به‌کنار آمدن با دیرایی صحبت می‌شود. قرار دارایی و سرمایه- capital- این است که capital اساسا سرمایه‌گذاری است که در واقع تعین حارج‌پی‌ان بود ایران است همان‌گونه که بیان شده این سرمایه را سرمایه‌داری تجاری و استعمار برای غرب کرد آورده است.

در این مان تکلیف مدرنیته ایرانی چه می‌شود؟

این همه گفته آمد تا به پیهوش به‌هوش‌آمده بوسیم و تحولات متن خودمان را آن تا آن طرف بریده بوده و از کتاب لغت ترجمه‌شده تحلیل کنیم. باید رواپوتاهی‌ها به دهیم تا از مرور آنها اجماعی نسبی شکل گیرد. بیذیرم

آن هم از عمق جان که نسخه رهایی بشریت و حتی رهایی ایرانی و حداقل خواننده خود را نداریم و اساسا نسخه‌ای اینچنین واحد وجود ندارد. وقتی روایت‌های کیوناگون با کار جمعی که بلد نیستیم ولی یادگیری آن از نان شب مهم‌تر است. ترکیب تجزیه و تحلیل شدند و با وزرادارد علمی و تجربه قوام آمدند نقشه نظریه‌ای ما با نقشه روایت‌ها با نقشه جمع‌بندی روایت‌ها را تولید کردهایم. سپس نتیجه را هزار مورد می‌رسد. اجازه دهید فقط یک مورد آن را برای یافتن الکویی کلی مورد بررسی دقیق‌تر قرار دهیم. به نقل از تاریخ بیهقی که یکی از ارزنده‌ترین آثار تاریخی سرزمین ما به حساب می‌آید. وقتی سلطان